

در زبان فارسی، «سرپناه» رایج‌ترین واژه برای خانه است. پناهگاهی که برای حفاظت انسان ساخته می‌شود. ترکیب واژه سرپناه از دو جزء «سر» به معنای اصل و بالا و «پناه» به معنای حامی و پوشش تشکیل می‌شود. یعنی خانه، حامی اصلی انسان و نگهدارنده سر و ارزش او در برابر بیرون است؛ که هم شامل عوامل جوی مثل باد و باران است و هم شامل مخاطرات زمین و جنبندگان آن. فصل مشترک دو معنای مستتر در واژه سر، بالایی رتبه معنوی و موقعیت مکانی، پناه‌بودن خانه است. مفهوم پناه نیز وابسته به حفاظت و محصوریت است. بنابراین انتظار می‌رود که سرپناه نام سازه‌ای باشد که درون‌گرایی و محصوریت به منظور حفاظت از غیر، کمال‌خواهی و معنایی و ویژگی آن باشد. این خروجی سازه‌ای است که از واژه‌شناسی سرپناه به دست می‌آید. صورتبندی این روند به سازه متراکم، بسته و درون‌گرایی ختم می‌شود که کاملاً نسبت به بیرون، چه به معنای همسایگی و چه به معنای محیط پیرامون بسته باشد. اما بررسی روند تکامل خانه در ایران با این صورتبندی تفاوت دارد. اطلاعات زیادی از نمونه‌های اولیه سرپناه و خانه ایرانی در دست نیست. تفسیر نمونه‌های اولیه سکونت که در غارهای ایران از جمله کرفتو در کردستان به دست آمده، مفهوم سرپناه را معادل فضای بسته، تودرتو، تنگ و جدا از محیط قرار می‌دهد. پس از آن کاوش‌هایی که در قدیمترین عرصه‌های باستانی پیش از تاریخ از جمله شهر سوخته زابل با قدمت ۵۰۰۰ سال به دست آمده نشان می‌دهد که همان مفهوم از خانه و سرپناه در این عصر جاری است. خانه‌ها با فضاهای تنگ و تاریک، چسبیده به هم برای حفاظت بیشتر، سرپوشیده، کم نور و بدون روزن‌های بزرگ به سوی بیرون ساخته شده‌اند. نقش حفاظتی و بسته خانه در این عصر همچنان معادل جدایی‌گزینی از بیرون، چه به معنای همسایگی و چه به معنای محیط است.

آثار خانه‌های دوره تاریخی شامل ماد، هخامنشی، اشکانی و ساسانی با عمری بیش از هزارسال، به استناد تغییرات کالبدی و فضایی، نخستین جهش‌های فلسفی در تعریف خانه و سرپناه نسبت به دوران قبل را نشان می‌دهد. فارغ از تحولات فنی ساخت و اندازه خانه که دستاورد کمال‌یافته در طی زمان محسوب می‌گردند، ظهور اندام‌های نوین در معماری خانه از تفسیرهای جدید مفهوم سرپناه در این عصر حکایت می‌کند. حیاط مرکزی و ایوان از آن جمله‌اند. بازشدن قلب خانه به سوی آسمان، در حالی که چهار طرف آن بسته و فضاهای خانه را تشکیل می‌دهد، دل‌انگیزترین خوانش از مفهوم نوین سرپناه است. در این تفسیر، جدایی‌گزینی از طبیعت و آسمان دیگر مصداق درپناه بودن نیست؛ ارتباطی خاص با دنیای بالا و بالا که نه تنها با مفهوم حفاظت تراحم ندارد، بلکه مبین رابطه‌ای تکاملی با آسمان است که خانه را در پناه آن توصیف می‌کند. این رویکرد تدریجاً الگوی اصیل معماری ایرانی را صورتبندی کرد که تا دوره معاصر نیز ادامه داشت. نمونه‌های اولیه را در الگوی خانه زرتشتیان در جندق و مزرعه کلانتر یزد می‌توان دید. الگوی حیاط مرکزی در دوره اسلامی تکامل یافت و در مناطق مختلف ایران نمونه‌های مختلف ایجاد کرد. نمونه‌های اولیه آن که با تغییراتی در اجزا در مناطق گرم و خشک از جمله فردوس و جندق تا عصر حاضر نیز ادامه پیدا کرد، خانه‌های چهار صفا را پدید آورد که واشدگاه میانی آنها، که بعضاً ساقه گنبد روباز را نیز در بر دارد، یک حیاط کوچک است که آسمان را قاب می‌کند. ساکن این خانه، در فضایی محصور نسبت به اطراف، با آسمان همزیستی دارد. بعید نیست که بتوان انتخاب رنگ آبی برای گنبدهایی که بر فضای اصلی معماری ایرانی برپا می‌شود را اقتباس از این منظر دانست. رواج زیبایی‌شناسی ترکیب دو رنگ خاکی و آبی در هنر ایران نیز می‌تواند محصول این فضاسازی باشد. نظام زیباشناسی ایرانی چنان به الگوی حیاط مرکزی وابسته شد که آن را که از فضای زندگی و خانه به دست آمده بود، به مثابه جوهر و نقطه ثابت معماری به اغلب کاربری‌ها تسری داد. پس از آن بود که مدرسه و کاروانسرا، مقبره و مسجد و باغ و زندان نیز با این الگو نظام فضایی خود را پیدا کردند. معماری ایرانی محصور نسبت به همسایگی و گشوده نسبت به آسمان است. در بیرون روستای چم در نزدیکی یزد در پای تپه‌ای که دخمه زرتشتیان بر بالای آن قرار یافته، مجموعه‌ای برای پشتیبانی از مراسم و آئین‌های بزرگداشت اموات احداث شده که فارغ از زمان ساخت، سیاق معماری مجموعه و نحوه استقرار آن در زمین حاکی از بقای جریان اصیل شکل‌یابی در آن است. در بخشی از این مجموعه بکر، خانه چهار صفا قرار گرفته که در میان آن پایه گنبدی روباز چهار ایوان صحن را به هم متصل می‌کند. در این حیاط جز آسمان که با اهل خانه زندگی می‌کند، چیز دیگری پیدا نیست. تکرار این منظر در حالی که هدف از ساخت خانه، ایجاد سرپناه با همه مفاهیم پیچیده و کمال‌طلب آن بوده، به تولید زیبایی‌شناسی خاص ایرانی نسبت به معماری خانه می‌انجامد که زیبایی را معادل حضور آسمان در فضای محصور معنا می‌کند. گشایش و محصوریت همزمان. این تضاد است که شیرینی خانه ایرانی را پدید آورده است.

مدیرمسئول

سیدامیر منصوری

amansoor@ut.ac.ir

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the authors with publication rights granted to Manzar journal. This is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله

منصوری، سیدامیر. (۱۴۰۳). خانه آسمانی. منظر، ۱۶ (۶۸)، ۳.

DOI: 10.22034/MANZAR.2024.206033

URL: https://www.manzar-sj.com/article_206033.html

